

متن پرسش

با سلام: بنده چند وقتی هست که این فکر آزارم می دهد که: من عالم خارج از ذهن را به صورت بدیهی میابم، اما این بدیهی بودن را از طریق قوه عاقله و ادراک نفسانی میابم و درک این بدیهی بودن در نفس من است، پس چون ادراکات بدیهی مثل عالم خارج از ذهن در نفس من می باشد پس عالم خارج از ذهن من یا خارج از نفسی نیست، مثلاً وقتی بعد از فکر شک به عالم خارج به کیفیت که گفتم به فکرم خطور می کند و من برای جلوگیری از این فکر با توجه در میابم که عالم خارج یک درک و امر بدیهیست برای نفس من، اما دوباره آن فکر مزاحم مرا آزار می دهد به این صورت که می گوید همین توجه هم در نفس توست و عالم خارجی نیست، استاد بنده به عالم خارج یقین دارم چون آن را با ادراک بدیهی میابم، اما این فکر را نمی دانم چطور توجیه کنم و چگونه پاسخی برایش بیابم تا از ذهنم برود و آزارم ندهد، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مگر بنا است آن فکر مزاحم تکلیف شما را تعیین کند؟ و یا شما باید برای آن فکر مزاحم، تعیین تکلیف نمایید؟ به گفته‌ی مولوی: «وگر حرص بنالد بگیریم کری‌ها». آن فکر مزاحم، یک نوع ادای عالمیت و اندیشه‌گرایی است و می‌خواهد ما را گرفتار «علم لا ینفع» کند که در اصطلاح علمای اخلاق به آن «جُرْبُزَه» گویند. موفق باشید